

ارائه الگوی کیفیت بخشی تبدیل مدرسه فنی و حرفه‌ای به مدرسه کارآفرین

■ سیده خدیجه هاشمی* ■ عصمت مسعودی ندوشن** ■ زینب گلزاری***

چکیده:

ایجاد توانایی‌های آفرینندگی در میان دانش‌آموزان، یکی از عالی‌ترین اهداف آموزش و پرورش در تمام سطوح تحصیلی است. بنابراین، کارآفرین‌شدن مدارس می‌تواند زمینه را برای توسعه جامعه فراهم آورد. هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی کیفیت بخشی و تبدیل مدارس فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، جزء پژوهش‌های توسعه‌ای، از نظر نحوه به دست آوردن داده‌ها، کیفی و از نوع نظریه، داده‌بنیاد است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۴ نفر از خبرگان حوزه کارآفرینی، متخصصان تعلیم و تربیت، از جمله استادان دانشگاه، هنرآموزان و مدیران مجرب، مسئولان اداره کل و همچنین دانش‌آموزان نخبه هنرستانی آموزش و پرورش استان مازندران است که با روش نمونه‌گیری هدفمند و به کارگیری معیار اشباع نظری انجام شد. همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری اولیه و ثانویه توسط اطلس تی ۷ انجام گرفت که در نهایت به شناسایی ۱۰ مقوله به همراه ۱۰۱ کد منجر شد. داده‌ها با استفاده از راهبرد تحلیل مضمون بررسی شد. شبکه مضامین با ۵۹۸ کد باز، ۲۲ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر (ابعاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مدرسه کارآفرین، بسترسازی مدرسه کارآفرین و پیامدهای مدرسه کارآفرین) ترسیم گردید. با توجه به نقش حساس و مهم نهاد آموزش و پرورش در جامعه، لازم است مدارس کارآفرین از نظر فرهنگی پایه‌ریزی شود و مدیران آموزش و پرورش در این زمینه تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

کلید واژه‌ها:

مدرسه فنی و حرفه‌ای، مدرسه کارآفرین، کیفیت بخشی، نظریه داده‌بنیاد

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۲۸ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۹/۵/۵ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۰/۷

* دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب k_ha448@yahoo.com
** استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب، تهران، ایران esmatmasoudi104@yahoo.com
*** استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب، تهران، ایران z_golzary@azad.ac.ir

مقدمه

تحولات اخیر در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناسی، نظیر افزایش بیکاری جوانان، رشد و ورود فناوری‌های جدید به عرصه آموزش و یادگیری، تغییر روندهای مهاجرت و افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهرتر و آگاه‌تر، چشم‌اندازهای نوینی را در خصوص فضاها، محتوا و عوامل آموزشی، روش‌های یادگیری و پیوند قوی‌تر بین آموزش و جهان کار ایجاد کرده است. بر این اساس، ضرورت دارد کلیه نظام‌های آموزشی، از آموزش‌های پایه، متوسطه، عالی و فنی‌وحرفه‌ای گرفته تا آموزش عمومی، برنامه‌ریزی لازم را برای بازنگری نظام آموزشی و تضمین کیفیت نتایج یادگیری و همچنین توسعه مهارت‌های مختلف یادگیری مادام‌العمر انجام دهند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای اجتماعی و اقتصادی آینده باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۵). همچنین، با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی درمی‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به‌طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود. به‌بیان‌دیگر، ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. کارآفرینی^۱ می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی و اشتغال‌بازی کند و آموزش کارآفرینی نقشی حیاتی در توسعه کارآفرینان داشته باشد (پسندیده‌فرد و کیانی‌مأوی، ۱۳۹۷). از آنجاکه مدارس فنی‌وحرفه‌ای دانش‌آموزان ماهر در زمینه رشته تحصیلی خود را پرورش می‌دهند و هنرجویان امیدوارند بتوانند مستقیماً وارد دنیای کار شوند، بر این اساس تمرکز توسعه در کارآفرینی نهفته است (کاسکاوایندراواتی^۲، ۲۰۱۸).

اهمیت توسعه کارآفرینی به حدی است که در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت موظف شد توجه ویژه‌ای به کارآفرینی و حمایت از طرح‌های خوداشتغالی بکند و با توجه به بند ح ۴۷ این قانون، دولت باید تدبیرهای لازم را برای اصلاح نظام آموزش کشور برای ارتقای توانایی، خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی اتخاذ می‌کرد (نیک‌رفتار، ۱۳۹۳). امروزه، اغلب مدارس در گستره رسالت خویش فقط آموزش را بدون هیچ برنامه و تمهیداتی، به‌منظور تزریق اندیشه کارآفرینی و ارزش‌آفرینی فراگیران، در دستور کار خود قرار داده‌اند و شاید رسالت خویش را فقط آموزش بدانند و کمتر برنامه‌هایی با دورنمای کارآفرینی داشته باشند و متعاقب آن، ما هر سال شاهد فارغ‌التحصیلی هزاران دانش‌آموز هستیم که نشانه نوآوری و اندیشه‌آفرینی در آنان بسیار ضعیف است. مدارس کارآفرین‌کانون اصلی تربیت دانش‌آموزانی است که با برخوردار بودن از ایده‌ها و اندیشه‌های نو می‌توانند هر لحظه در شریان‌های حیاتی جامعه که حرکت رو به رشدی دارد، نیروی نوینی را تزریق کنند و جامعه نیز با به کار بستن ایده‌های نوظهور می‌تواند اندیشه توسعه را محقق سازد (قربانی، ۱۳۹۵). بی‌شک، مدارس کانون اصلی آموزش و پرورش هستند و ضرورت توجه به آموزش و پیامدهای حاصل از آن در زمینه کارآفرینی از مدارس آغاز می‌شود، زیرا نیاز جامعه به دانش‌آموختگان کارآفرین از یک‌سو و ضروریات اجتناب‌ناپذیر بازار کار و اقتصاد ملی

و جهانی و نیاز مشاغل آینده به افراد ماهرتر و کارآمدتر از سوی دیگر اهمیت این موضوع را آشکار می‌نماید. همچنین، ناکارآمدی جدی روش‌های فعلی آموزش، برای تربیت دانش‌آموزان خلاق و مسئله‌گرا، توجه به اهمیت و ضرورت آموزش‌های لازم کارآفرینی در مدارس را دوجندان می‌کند (مهرابی، ۱۳۹۷). با وجود برداشت متفاوتی که از کیفیت وجود دارد، در نگرش کلی می‌توان گفت که کیفیت، اثربخشی یا به عبارت روشن‌تر تحقق و تجلی اهدافی است که برای نظام آموزشی پیش‌بینی شده است. خلاقیت و کارآفرینی در آموزش و پرورش، محصول مستقیم کیفیت برنامه‌ها، روش‌ها، فعالیت‌ها و فرایندهای یاددهی-یادگیری است. همان‌قدر که گسترش کمی برای تصمیم آموزش و پرورش و فراهم‌آوری زمینه رشد استعدادها ضروری است، توجه و تأکید بر کیفیت نیز برای بروز و پرورش خلاقیت‌ها و کارآفرینی حیاتی است. آموزش بدون کیفیت، آموزشی سطحی و غیراثربخش است که اهداف عمیق و اصلی آموزشی از جمله پرورش خلاقیت کارآفرینی را محقق نخواهد کرد (جلالی و امینی، ۱۳۹۶).

بنابراین، نقش کیفیت آموزش کارآفرینی و شناسایی و پرورش این قابلیت‌ها برای دانش‌آموزان، مربیان و سیاست‌گذاران به‌وضوح روشن و آشکار است. بر این اساس، خاتمی و شاه‌حسینی به نقل از کاربلسکی و والس‌تد (۱۹۹۸) پیشنهاد کردند که کارآفرینی از طریق آموزش‌های قبل از دوران دانشگاهی دنبال شود تا به‌عنوان یک مسیر شغلی مناسب مورد تشویق قرار گیرد. بنابراین، مدیریت آموزشی باید توجه داشته باشد که همه افراد در هر حرفه‌ای از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند. به‌بیان‌دیگر، مدرسه مکانی است که بازخوردش به کل نظام برمی‌گردد و اگر مدیریت کارآفرین در مدرسه حاکم شود، اثرات آن به تمام حرفه‌ها تعمیم می‌یابد. بنابراین، مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای باید بتوانند با هدف آگاه‌نمودن و ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان به‌وسیله برنامه‌های آموزشی ویژه از قبیل خلاقیت، توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصت‌ها، تمایل به خطرپذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین‌شدن ارائه دهند (خاتمی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۱). لذا، این تحقیق تلاش می‌نماید بررسی‌هایی در راستای شناسایی زمینه‌ها و بسترهای تشکیل‌دهنده مدارس فنی کارآفرین در استان مازندران به عمل آورد و به طراحی الگوی کیفیت‌بخشی مدارس فنی و حرفه‌ای (هنرستان‌ها و مدارس کار و دانش) بپردازد.

■ مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کارآفرینی فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع برای بهره‌گیری از فرصت‌هاست (آراستی، کنعانی و سید قاسمی، ۱۳۹۲). کارآفرینی ترکیبی از عناصر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در یک منطقه است که از توسعه و رشد سرمایه‌گذاری‌های مبتنی

بر خلاقیت و نوآوری حمایت می‌کنند (آتریچ، لمان و منتر^۳، ۲۰۱۶؛ کونینگام، منتر و ویرشینگ^۴، ۲۰۱۹). به‌طور کلی، کارآفرینی فرایند خلق چیزی ارزشمند و منحصربه‌فرد، از طریق اختصاص زمان و کوشش کافی، همراه با ریسک مالی، روانی، اجتماعی برای دریافت پاداش، استقلال و رضایت فردی، تعریف می‌شود (هیسریچ و رمدانی^۵، ۲۰۱۷).

نحوه شکل‌گیری و ثمربخشی کارآفرینی، روش‌ها و شیوه‌های خاصی را می‌طلبد که بر پایه‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای استوار شده است. مجموعه این روش‌ها و باورها را می‌توان یک فرهنگ تلقی کرد. در واقع، فرایند کارآفرینی در بطن خود فرهنگ خاصی را نهفته دارد. فرهنگ کارآفرینانه فرهنگی است که در آن جست‌وجوگری، تکاپو و تلاش مستمر و بی‌وقفه برای رسیدن به کمال اساس آن را تشکیل می‌دهد. در فرهنگ کارآفرینانه، تصور و خیال، برتر از دانش است؛ فرهنگی که در آن خلاقیت به معنویت می‌انجامد و معنویت به خلاقیت و خودشناسی؛ یعنی خدانشناسی و خودشناسی؛ یعنی آگاهی از کردار سیستم فراشناختی ذهن و کنترل آن در این فرهنگ. اینکه افراد به فراآگاهی می‌رسند و با دقت در فهم خود و رسیدن به خویشستن خویش یک ساعت تفکرشان بهتر از سال‌ها عبادت می‌شود و تا زمانی که به روش‌های قبلی تفکر می‌کنند، نمی‌توانند سبک زندگی خود را توسعه و بهبود بخشند. آن‌ها می‌دانند که مسائل امروزشان با راه‌های دیروز حل نمی‌شود و حل مسائل امروز با راه‌های روز نیز برایشان کارساز نیست؛ چون آن‌ها باید مسائل آنی خود را با راه‌های آینده اما امروز حل کنند (پوررضا، ۱۳۹۶).

عناصر کارآفرین در مدارس را می‌توان مدیر، معلم و درنهایت تربیت‌نیروی انسانی کارآفرین به‌عنوان دانش‌آموز کارآفرین دانست. نظام آموزشی مؤثر و کارآمد هر جامعه‌ای، با تکیه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات روز دنیا و با علم بر اثرات جادویی و شگرف آن در دسترسی به آخرین یافته‌های بشری در حوزه‌های مختلف سبب شده است که در عصر امروزی یک انقلاب اینترنتی شکل بگیرد که تمامی جوانب بشری در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از راهکارهای ممکن برای رویارویی با چنین جوامعی، ایجاد و توسعه مدارس کارآفرین است. مدارس کارآفرین باید دارای عوامل اجرایی کارآفرین از مدیران واحدهای آموزشی گرفته تا اولیای دانش‌آموزان باشد. در حال حاضر کشور به شدت به تأمین، آموزش، بهسازی و نگهداشت کارکنان توانمند کارآفرین نیاز دارد (ستاری، بهرام‌نیا و بهرام‌نیا، ۱۳۹۷). با توجه به ساختار نظام آموزشی کشور و وضعیت موجود، سطوح متفاوت مدیریت آموزشی در آن از یک‌سو، و دقت در ویژگی‌های ساختاری سازمان کارآفرین از سوی دیگر، با واقعیتی دوگانه و متعارض مواجه می‌شویم. در توضیح این دوگانگی به‌طور مختصر می‌توان گفت که هر چه از سطح مدیریت عالی نظام آموزشی به سطوح پایین‌تر مدیریت حرکت کنیم، ویژگی‌ها و شرایط اعمال کارآفرینی افزایش می‌یابد. پس، نتیجه می‌گیریم که لازمه تحقق و توسعه کارآفرینی در

نظام آموزش و پرورش، تأکید بیشتر بر سطوح عالی مدیریت آموزشی است. این امر نه تنها به سبب خلأ فرهنگی و ساختاری است، بلکه با توجه به نقش اساسی و الگودهی مدیریت کلان نسبت به سایر سطوح پایین‌تر مدیریت، ضروری و حیاتی است. کارآفرینی در آموزش و پرورش، فرآیند منظم و مستمری است که از یک سو به شناسایی و بهره‌برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می‌شود و از سوی دیگر، موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی و یادگیری می‌گردد. این فرآیند با تکیه بر دو محور آموزش فراگیر کارآفرین و فراهم آوردن زمینه‌های بروز و ظهور آن محقق می‌گردد (بعقوبی نجف‌آبادی، ۱۳۸۹).

آموزش کارآفرینی در مدارس به معنی توسعه ویژگی‌های شخصی و مهارت‌ها و همچنین آگاه ساختن دانش‌آموزان به خوداشتغالی و مشاغل کارآفرینانه است (پاکو و پالینهاس، ۲۰۱۱). آموزش کارآفرینی نباید تنها در دانشگاه‌ها ارائه شود، بلکه باید دانش‌آموزان دوره ابتدایی و راهنمایی را در معرض مفاهیم کارآفرینی قرار داد. این مهم است که به دانش‌آموزان ایده‌یابی، سخت‌کوشی، برنامه‌ریزی خوب برای بهره‌مندی از ظرفیت‌ها آموزش داده شود تا قادر باشند از زندگی کاری خویش لذت ببرند. فیلون^۷ (۱۹۹۴) بیان نموده که بهتر است کودکان و نوجوانان، در این دوره سنی، نگرشی در باب کارآفرینی و مسائل پایه‌ای آن داشته باشند. بسیاری از کشورها با در نظر گرفتن اهمیت آموزش کارآفرینی در سنین پایین و تأثیر فوق‌العاده آن بر افزایش نگرش کارآفرینانه کودکان و احتمال کارآفرین شدن آن‌ها در آینده، آن را وارد برنامه درسی خود نموده‌اند. از آنجاکه در این زمینه تحقیقات اندکی در داخل کشور به انجام رسیده است، محقق از پیشینه مشابه در این زمینه استفاده کرده است که به آن اشاره می‌شود:

نصر اصفهانی، شاهین، حکمت پناه، نصری (۱۳۹۷) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که مدارس کارآفرین و مدیریت صحیح این نوع مدارس می‌تواند موتور محرکی برای رشد اقتصادی کشور باشد و آموزش دانش‌آموزان در دوره‌های نوجوانی و جوانی بر اساس ذهنیت کارآفرینی، می‌تواند نقش بسزایی در توسعه مقوله کارآفرینی در کشور داشته باشد و موجب افزایش اشتغال بشود. ستاری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود دریافتند که مؤلفه‌های کلیدی مدارس کارآفرین (مهارت‌آموزی، کارآموزی، خلاقیت و نوآوری، هوشمندسازی و فرهنگ‌سازمانی) در ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی در حوزه صنعت و خدمات تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش‌زمینه اساسی برای ارتقای سطح اشتغال جامعه است و باید ضرورت شکل‌گیری فرهنگ اشتغال را از مدارس کارآفرین پیگیری کرد. فریور، جلالی، روشن و اخوان طیبسی (۱۳۹۶) در بررسی مدل‌های ارزیابی کیفیت در نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای کشور نتیجه گرفتند که ارتباط مثبتی بین کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و موفقیت آموزش‌دیدگان در ورود به صنایع وجود دارد. این ارتباط نشان می‌دهد بالابردن کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تمرکز روی آموزش‌های موردنیاز

صنایع، سازمان را تا حد قابل توجهی در نیل به اهداف خود، از جمله اقتصاد مقاومتی، کارآفرینی، اشتغال‌زایی، راه انداختن چرخه صنعت کشور دستیابی به خودکفایی، موفق خواهد کرد. باشکوه اجیرلو، مرادی و حیدری اناری (۱۳۹۴) در بررسی عوامل سازمانی اثرگذار بر ایده کارآفرینی در بین معلمان مدارس متوسطه شهرستان اردبیل نتیجه گرفتند که هر پنج عامل مورد بررسی (ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، استراتژی سازمانی، مدیریت منابع انسانی، سیستم پاداش‌دهی و پشتیبانی مدیریتی) تأثیر معناداری بر ایده کارآفرینی در بین معلمان مدارس متوسطه شهرستان اردبیل دارد. همچنین، نتایج نشان داد که سیستم پاداش‌دهی، حمایت مدیریتی و فرهنگ سازمانی نسبت به سایر عوامل قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری بر ایده کارآفرینی معلمان دارد. مارلیه و سوجیو، مسروخی و راسداری^۸ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان مدل آموزش کارآفرینی در مدارس فنی و حرفه‌ای برنامه مطالعات کشاورزی به این نتیجه دست یافتند که مدل برنامه‌ریزی یادگیری، پیاده‌سازی و ارزیابی، هنوز از آموزش پویایی مدرن-نیمه مدرن استفاده می‌کند که در ایجاد توانایی مهارت‌های نرم‌افزاری کارآفرینی دانش‌آموزان مؤثر نبوده و در میان کارفرمایان طرفدار مهارت‌های نرم‌افزاری (مدرس، کارآفرینی معلم و سایر معلمان) نیز مؤثر نبود. کاسکا و ایندراواتی (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر منافع دانش‌آموزان هنرستان‌های حرفه‌ای در پیکانبارو اندونزی به این نتیجه دست یافتند که آموزش کارآفرینی و محیط خانوادگی تأثیر مثبت و معناداری در علائق کارآفرینی، از طریق شخصیت افراد، دارد. والیدانی و وینارنو^۹ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان کارآفرینی دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای موفقیت خانواده یا تحصیلات مدرسه‌ای، نقش آموزش در خانواده و نقش آموزش و پرورش در مدرسه را بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که تعلیم و تربیت خانواده‌ها نقش مهمی در ساختن دیدگاه کارآفرینی و درگیر کردن آن‌ها در کسب و کارشان دارد و نقش مدرسه به حمایت از توسعه دانش دانش‌آموزان محدود می‌شود.

با توجه به مبانی نظری، تاکنون به صورت جامع و کامل به ابعاد، مهارت‌ها و فعالیت‌های موردنیاز جهت کارآفرین شدن مدارس فنی و حرفه‌ای پرداخته نشده است، مطالعات انجام شده، از نظر ماهیت، قیاسی بوده و در بیشتر موارد، تنها به شناسایی ابعادی از این پدیده با تبیین برخی از عوامل مؤثر بر فرآیند کارآفرینی مدارس و در مواردی به نگرش‌سنجی پرداخته است. با علم به این شکاف مطالعاتی، در این پژوهش، کاوش فرآیند چگونگی کارآفرین شدن مدارس فنی و توجه به ابعاد مختلف آن مورد مطالعه قرار گرفت.

سؤال‌های پژوهش

۱. مؤلفه‌های کیفیت‌بخشی تبدیل مدارس فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین کدام‌اند؟
۲. الگوی کیفیت‌بخشی تبدیل مدارس فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین کدام‌اند؟

روش پژوهش

این مطالعه کیفی از نوع گراند تئوری با رویکرد کوربین و اشتراوس^{۱۰} (۲۰۰۸) است که در مقایسه با نسخه ۱۹۹۸ انعطاف‌پذیری و تأکید بیشتری بر یادآورنویسی^{۱۱} دارد. در مطالعه حاضر، دلایل بسیاری برای روی آوردن به تحقیق کیفی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها، قدم گذاشتن به ماورای شناخته‌ها و واردشدن به دنیای مشارکت‌کنندگان در مطالعه حاضر و مشاهده جهان از نگاه آنان و بدین ترتیب دستیابی به کشفیاتی است که به بسط دانش تجربی کمک می‌کند.

مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند، نمونه‌گیری نظری نوعی نمونه‌گیری هدفمند است که پژوهشگر را در خلق یا کشف نظریه یا مفاهیمی که ارتباط نظری آن‌ها با نظریه در حال تکوین به تأیید رسیده است یاری می‌کند (بازرگان، ۱۳۹۴). در نمونه‌گیری نظری، از نمونه‌هایی مصاحبه به عمل آمد که از لحاظ هدف‌های پژوهش دارای اطلاعات غنی بودند و تا اشباع نظری نمونه‌گیری ادامه یافت. اشباع نظری وقتی اتفاق می‌افتد که طبقه‌بندی مربوط به داده‌ها و اطلاعات اشباع شود و نظریه موردنظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شود (کراسول^{۱۲}، ۲۰۰۹). لذا، با استفاده از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند در مجموع با ۱۴ نفر مصاحبه‌هایی عمیق صورت گرفت. مبنای انتخاب مشارکت‌کنندگان استادان دانشگاه صاحب‌نظر در حوزه کارآفرینی، معلم‌های با سابقه تدریس درس کارآفرینی، مسئولین و روسای فنی و حرفه‌ای اداره کل استان مازندران، مدیران با سابقه مدارس فنی و حرفه‌ای و کار و دانش استان مازندران، دانش‌آموزان نخبه کارآفرین هنرستان‌ها و مدارس کار و دانش می‌باشند.

حجم نمونه مطابق روند مطالعات کیفی در حین کار مشخص خواهد شد و نمونه‌گیری آن قدر ادامه می‌یابد تا اشباع داده‌ها حاصل شود و محقق به این نتیجه می‌رسد که جمع‌آوری داده‌ها، تکرار مطالب قبلی است که نیاز به کد جدید یا گسترش کدهای موجود ندارد. مشارکت‌کنندگان در مطالعه از ۶ مرد و ۸ زن تشکیل شده بودند. از جمله ۳ عضو هیئت‌علمی، یک نفر رئیس اداره فنی و حرفه‌ای، دو نفر کارشناس فنی و حرفه‌ای اداره کل، یک نفر سرگروه آموزشی کارآفرینی استان، ۳ هنرآموز، ۲ مدیر هنرستان، ۲ دانش‌آموز نخبه کارآفرین. روش نمونه‌گیری هدفمند برای مصاحبه اولیه به کار برده شد و با توجه به کدبندی و طبقه‌بندی داده‌های به دست آمده با استفاده از نمونه‌گیری نظری جمع‌آوری شد. انتخاب شرکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری و شرح غنی از تجربیات به دست آمده ادامه داشت.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

مشارکت‌کننده	جنسیت	سابقه خدمت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	سمت
P۱	مرد	۲۷	کارشناسی ارشد	مدیریت آموزشی	رئیس اداره فنی و حرفه‌ای
P۲	مرد	۲۱	کارشناسی ارشد	مهندسی برق	کارشناس مسئول فنی و حرفه‌ای
P۳	مرد	۲۱	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی درسی	کارشناس فنی و حرفه‌ای
P۴	زن	۹	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی درسی	سرگروه آموزشی کارآفرینی
P۵	زن	۱۷	دانشجوی دکتری	کامپیوتر	هنرآموز
P۶	زن	۲۲	کارشناسی ارشد	برق	هنرآموز
P۷	زن	۱۸	کارشناسی ارشد	کامپیوتر	هنرآموز
P۸	مرد	۳۰	دکتری	مدیریت آموزشی	هیئت علمی دانشگاه
P۹	مرد	۲۷	دکتری	مدیریت آموزشی	هیئت علمی دانشگاه
P۱۰	مرد	۱۸	دکتری	کارآفرینی	هیئت علمی دانشگاه
P۱۱	زن	۲۳	کارشناسی ارشد	مدیریت آموزشی	مدیر هنرستان
P۱۲	زن	۲۵	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی درسی	مدیر هنرستان
P۱۳	دختر		دانش آموز	کامپیوتر	دانش آموز
P۱۴	دختر		دانش آموز	طراحی دوخت	دانش آموز

مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و فردی، برخی در محل کار، به صورت تلفنی و یا از طریق مکاتبه با ایمیل انجام گرفت. مصاحبه‌ها با طرح پرسش‌های باز بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه انجام شد. شایان ذکر است اشباع نظری مقوله‌ها در مصاحبه ۱۲ برای پژوهشگران به دست آمد، اما پژوهشگران پس از آن دو مصاحبه تکمیلی با مشارکت‌کنندگان نیز انجام دادند، فرایند تمامی مصاحبه‌ها ضبط، ثبت و سپس پیاده شد. اغلب مشارکت‌کنندگان از قبل در جریان هدف و سؤالات مصاحبه قرار گرفتند. از این رو، پس از پیگیری تلفنی و اعلام موافقت افراد و تعیین مکان و زمان ملاقات، مصاحبه انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون به شرح ذیل استفاده شده است. ۱- مضامین پایه: مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود. ۲- مضامین سازمان‌دهنده: واسط مضامین پایه و فراگیر شبکه است. ۳- مضامین عالی یا فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد (اتریدسترنینگ^{۱۳}، ۲۰۰۱). تحلیل مضمون فراگردی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد. تحلیل مضمون دارای شش مرحله به شرح زیر است:

۱. آشنایی با داده‌ها: برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود، لازم است که خود را در آن‌ها تاندازه‌ای غوطه‌ور سازد. غوطه‌ور شدن در داده‌ها معمولاً شامل بازخوانی مکرر داده‌ها و خواندن داده‌ها به صورت فعال یعنی جست‌وجوی معانی و الگوهاست.

۲. ایجاد کدهای اولیه: مرحله دوم زمانی آغاز می‌شود که محقق داده‌ها را خوانده و با آن‌ها آشنایی پیدا کرده است. این مرحله شامل ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌نمایند که به نظر تحلیلگر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل تم متفاوت هستند. در پژوهش حاضر، کدگذاری داده‌ها از طریق نرم‌افزار اطلس صورت گرفته است. به هریک از خبرگان و مطلعین مشارکت‌کننده یک کد تخصیص داده شده است. برای مثال کد P1 بیانگر عبارتی است که مصاحبه‌شونده شماره ۱ در پاسخ‌های خود بدان اشاره کرده است.

۳. جست‌وجوی تم‌ها: این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب تم‌های بالقوه و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده در قالب تم‌های مشخص شده است. در واقع، محقق تحلیل کدهای خود را شروع کرده، در نظر می‌گیرد که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک تم کلی ترکیب شوند. در این مرحله، برخی از کدهای اولیه، تم‌های اصلی را تشکیل می‌دهند، در حالی که برخی دیگر تم‌های فرعی را شکل می‌دهند و مابقی نیز حذف می‌شوند. در پژوهش حاضر، پس از کدگذاری اولیه، دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب تم‌های اولیه انجام شده است.

۴. بازبینی تم‌ها: مرحله چهارم زمانی آغاز می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را ایجاد می‌کند و آن را مورد بازبینی قرار می‌دهد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه تم‌ها است. مرحله

اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار تم‌ها در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود.

۵. تعریف و نام‌گذاری تم‌ها: مرحله پنجم زمانی آغاز می‌شود که یک نقشه رضایت‌بخشی از تم‌ها وجود داشته باشد. محقق در این مرحله، تم‌هایی را که برای تحلیل ارائه کرده است، تعریف می‌کند و مورد بازبینی مجدد قرار می‌دهد. سپس، داده‌های داخل آن‌ها را تحلیل می‌کند. به‌وسیله تعریف و بازبینی مکان، ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند، مشخص می‌شود و تعیین می‌کند که هر تم کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد.

۶. تهیه گزارش: مرحله ششم زمانی آغاز می‌شود که محقق مجموعه‌ای از تم‌ها را در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است.

جدول ۲. نمایی از مراحل شکل‌گیری طرح اکتشافی پژوهش کنونی

تهیه راهنمای مصاحبه اولیه برای شناسایی مؤلفه‌های کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین	۱	گام اول تحقیق
انجام مصاحبه‌های پایلوت و تأیید آن‌ها توسط استادان مربوطه	۲	
کدگذاری اولیه با نظر استادان	۳	
تأیید کدگذاری توسط استادان راهنما و مشاور	۴	

تکمیل راهنمای مصاحبه اولیه و نهایی کردن آن	۱	گام دوم تحقیق
نمونه‌گیری هدفمند اولیه با نظر استادان راهنما و مشاور	۲	
فرایند جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و کدگذاری آن‌ها و نمونه‌گیری نظری به‌صورت چرخشی تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه می‌یابد.	۳	
در حین جمع‌آوری داده‌ها از یادداشت‌های عرصه نیز بهره‌گیری می‌گردد.	۴	
در حین جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها سه نوع کدگذاری انجام می‌شود.	۵	

مشخص کردن قضایای محوری تحقیق	۱	گام سوم تحقیق
ترسیم مدل مفهومی	۲	

■ روش اجرا

برای درک کامل‌تر پدیده تحت مطالعه، از روش‌های مختلفی بهره گرفته می‌شود که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. مصاحبه‌های باز عمیق: در این مطالعه، با توجه به الگوی گراند تئوری، برای جمع‌آوری

داده‌ها از مصاحبه عمیق و یادداشت در عرصه استفاده شد. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مصاحبه روش غالب در این مطالعه انجام گردید. پژوهشگر با طرح سؤالات کلی مصاحبه را آغاز و سپس بر اساس مطالب و تجربیات بیان‌شده آن را هدایت کرد و ادامه داد و در صورت لزوم سؤالات اکتشافی برای بازنمودن بحث در دستیابی به اطلاعات عمیق‌تر پرسیده شد. مدت مصاحبه برحسب شرایط مختلف متغیر بود. در صورت موافقت شرکت‌کنندگان، مصاحبه توسط گوشی ضبط و سپس متن مصاحبه بازخوانی شده، خط به خط پیاده‌سازی گردید و در همان زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در حین مصاحبه، از یادداشت‌برداری در مورد تعاملات و رفتارهای غیرکلامی نیز استفاده شد. مصاحبه‌ها به صورت انفرادی، در محیطی آرام و در زمان و مکان مناسب، با توافق و احساس راحتی شرکت‌کنندگان، انجام گرفت. راهنمای مصاحبه در ابتدای تحقیق به صورت ذیل بود که با مسیر جمع‌آوری داده‌ها راهنمای مصاحبه نیز تغییر پیدا کرد. مدارس کارآفرین چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ به نظر شما چرا مدارس فنی باید کارآفرین باشند؟ چه کار کنیم مدارس کارآفرین بازده بهتری داشته باشند؟

۲. مشاهده: بخش اصلی دیگر برای جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه، مشاهده نحوه عملکرد اداره

کل آموزش و پرورش استان مازندران بود. مشاهده، روشی برای کشف فرهنگ درونی و بررسی عملکرد واقعی سازمان‌های مسئول است. کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که یکی از دلایل اهمیت مشاهده این است که ممکن است افراد بگویند که در حال انجام چیزی هستند، اما در واقعیت کار دیگری انجام دهند.

۳. یادداشت‌های عرصه: یادداشت‌هایی هستند که عموماً برای مستندسازی مشاهدات به کار

می‌روند. پژوهشگر، هنگام ثبت این یادداشت‌ها، آنچه را که می‌شنود، می‌بیند، می‌بوید، فکر می‌کند و تجربه می‌کند، می‌نویسد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها: با استفاده از نرم‌افزار اطلس^{۱۴} و با رویکرد گراند تئوری (کدگذاری باز،

محوری و انتخابی) انجام شد. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مطالعات گراند تئوری، از ابتدای کار به صورت موازی و هم‌زمان با هم پیش می‌روند. تحلیل داده‌ها بعد از شروع اولین گام‌های جمع‌آوری داده‌ها آغاز گردید و سپس عقاید و اندیشه‌های استخراج‌شده، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را هدایت کردند. این فرایند تا انتهای پژوهش ادامه یافت. زیرا عقاید، مفاهیم و سؤالات

جدید به‌طور مرتب تولید شدند تا محقق را به مفاهیم و منابع جدید داده، هدایت کردند. برای شکل‌گیری مفهوم، از ابتدای جمع‌آوری داده‌ها به کدگذاری و تحلیل آن‌ها پرداخته شد. سه مرحله کدگذاری که برای تکوین منسجم، منظم و مشروح نظریه به کار رفته بودند، عبارت بودند از کدگذاری باز، محوری و انتخابی.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری باز

کد استخراجی	عبارت معنایی	جمله
<ul style="list-style-type: none"> تربیت نیروی ماهر با توجه به مهارت‌های فردی و خلاقانه جهت موفقیت در کسب‌وکار 	<ul style="list-style-type: none"> اتکا به خود اتکا به مهارت‌های فردی اتکا به نیروی خلاقانه ذهنی توجه به خلاقیت عدم اتکا به دولت موفقیت در حیطه کسب‌وکار تربیت نیروی ماهر 	<ul style="list-style-type: none"> مهم‌ترین هدف مدرسه کارآفرینی این هست که فرد بدون اینکه بخواهد به جامعه متکی باشد به دولت متکی باشد به خودش متکی باشد به نیروی خلاقه ذهنی خودش متکی باشد به توانایی‌های خودش متکی باشد به مهارت خودش متکی باشه اگر هم که خلاق نیست حداقل در حیطه کسب‌وکار بتواند موفق باشد در واقع تربیت نیروی ماهر است.
<ul style="list-style-type: none"> لزوم ترویج کارآفرینی در مدارس 	<ul style="list-style-type: none"> ترویج کارآفرینی در مدارس 	<ul style="list-style-type: none"> اولین مسئله بحث ترویج آن است.
<ul style="list-style-type: none"> ترویج از طریق تصویرسازی، داستان‌های افراد کارآفرین، ترویج کارگاهی، فضا سازی، طرح‌های نو و توجه به مواد و محصولات و استارت‌آپ‌های خوب 	<ul style="list-style-type: none"> تصویرسازی دیوارهای مدارس معرفی استارت‌آپ‌های خوب ترویج کارگاهی داستان افراد کارآفرین طرح‌های نو توجه به مواد اولیه و محصولات فضاسازی 	<ul style="list-style-type: none"> از در و دیوارهای مدرسه می‌توان شروع کرد. از جملات از شکل‌ها از افرادی که تصویر در حال کار کردنشان نشان داد. از تعریف داستان افرادی که کارآفرین شدند واقعاً به معنی واقعی کارآفرین شدند حالا کسب‌وکار بماند و روش‌های نو و طرح‌های نو و مواد اولیه و محصولات یا خدمت جدیدی رو راه انداختن معرفی استارت‌آپ‌های خوب اولین گام ترویج است تا ترویجش به‌صورت ظاهری نباشد به‌صورت کارگاهی نباشد اون بچه در اون فضا قرار نمی‌گیرد.
<ul style="list-style-type: none"> دستیابی به موفقیت در کارآفرینی با مدیریت خوب و حمایت و هدایت مالی 	<ul style="list-style-type: none"> مدیریت خوب حمایت مالی هدایت مالی کسب موفقیت 	<ul style="list-style-type: none"> اما اگر مدیریت خوبی روش باشد و اگر هدایت مالی شود، با حمایت مالی قطعاً می‌توان موفق شد.
<ul style="list-style-type: none"> آموزش اجرای ایده دومین ضرورت 	<ul style="list-style-type: none"> اجرای ایده 	<ul style="list-style-type: none"> ثانیاً ایده‌شان را چه جوری اجرا کنند.
<ul style="list-style-type: none"> آموزش‌های تبدیل ایده به کسب‌وکار سومین ضرورت 	<ul style="list-style-type: none"> تبدیل ایده به کسب‌وکار 	<ul style="list-style-type: none"> اینکه حالا چه جوری ایده رو تبدیل به کسب‌وکار کنند.
<ul style="list-style-type: none"> نداشتن اکوسیستم کارآفرینی در مدارس 	<ul style="list-style-type: none"> اکوسیستم کارآفرینی 	<ul style="list-style-type: none"> کلاً ما در مدارسمان اکوسیستم موردنیاز کارآفرینی رو نداریم.

جدول ۳. (ادامه)

کد استخراجی	عبارت معنایی	جمله
<ul style="list-style-type: none"> شکست کمتر در فرایند کسب‌وکار با آشنایی با استارت‌آپ‌های بزرگ دنیا و پروژه‌های بزرگ کشورها 	<ul style="list-style-type: none"> کسب‌وکارهای استارت‌آپی اقتصاد کشورها پروژه‌های بزرگ کشورها آشنایی با مراحل کسب‌وکار شکست کمتر 	<ul style="list-style-type: none"> بینیند با توجه به اینکه اقتصاد اکثر کشورها بر روی کسب‌وکارهای استارت‌آپی می‌چرخد ما شاید شرکت‌هایی که پروژه بزرگ دارند خیلی ندیدیم به نظر من اگر خوب کار بشه بچه‌ها کاملاً با مراحل کسب‌وکار آشنا می‌شوند و زمانی که فارغ‌التحصیل می‌شوند می‌توانند با شکست کمتری در کسب‌وکار مواجه شوند.
<ul style="list-style-type: none"> آموزش معلمان اولین راهکار موفقیت مدارس کارآفرین 	<ul style="list-style-type: none"> آموزش معلمان اولین راهکار 	<ul style="list-style-type: none"> اولین راهکار که خیلی سریع‌تر تر جواب می‌دهد خود آموزش‌هایی هست که برای معلم‌ها می‌گذارند.
<ul style="list-style-type: none"> لزوم به چالش کشیدن دانش‌آموزان در پودمان‌های درسی علاوه بر یاددهی اصول اولیه کتاب و شیوه‌های خلاقیت 	<ul style="list-style-type: none"> یاددهی اصول اولیه کتاب درسی کارآفرینی یاددهی شیوه‌های خلاقیت در کتاب درسی به چالش کشیدن دانش‌آموز در پودمان‌های درسی 	<ul style="list-style-type: none"> کتاب درس کارآفرینی، اصول اولیه رو به بچه‌ها یاد می‌دهد یعنی بیشتر شیوه‌های خلاقیت رو یاد می‌دهد بیشتر خود معلم باید سر همین پودمانی که دارد به دانش‌آموزان درس می‌دهد او را به چالش بکشد.
<ul style="list-style-type: none"> ضرورت فروشگاه‌های دائمی در مدارس جهت توفیق در کسب‌وکار و بازاریابی 	<ul style="list-style-type: none"> تربیت دانش‌آموز کارآفرین فروشگاه دائمی چرخه کسب‌وکار خروجی بازار 	<ul style="list-style-type: none"> شما برای اینکه مدرسه‌ای داشته باشید که دانش‌آموز کارآفرین تربیت کند اول باید یک فروشگاه دائمی داشته باشید زمانی که دانش‌آموز چیزی که ارائه کرده، نتواند به بیرون عرضه کند عملاً کسب‌وکاری که یاد گرفته ابتر است یعنی چرخه کسب‌وکار را کامل نکردید. چرخه اصلی، خروجی آن است؛ یعنی بازار
<ul style="list-style-type: none"> لزوم در نظر گرفتن تجهیزات لازم در مدارس کارآفرین 	<ul style="list-style-type: none"> تجهیزات 	<ul style="list-style-type: none"> دوم تجهیزات است
<ul style="list-style-type: none"> ضرورت توجه به تربیت نیروی انسانی ماهر در رشته‌های کارآفرینی 	<ul style="list-style-type: none"> نیروی انسانی خروجی‌ها مدیر کارآفرینی 	<ul style="list-style-type: none"> سوم نیروی انسانی است ما در مازندران در هنرستان مدرسی را با مدیر کارآفرینی یا کسب‌وکار نداریم زیرا رشته‌ای با این نام نداریم و از طرف دیگر در کشور دانشگاه‌هایی که خروجی کارآفرین ارائه کنند نیز نداریم به غیر از چند دانشگاه علمی کاربردی و دانشگاه تهران و درواقع خروجی با مدیر کارآفرینی نداریم.
<ul style="list-style-type: none"> آموزش کارآفرینی از دوره ابتدایی در کشورهای صنعتی 	<ul style="list-style-type: none"> کشورهای صنعتی دوره ابتدایی آموزش کارآفرینی 	<ul style="list-style-type: none"> در کشورهای صنعتی از دوره ابتدایی به دانش‌آموز کارآفرینی را آموزش می‌دهند.
<ul style="list-style-type: none"> لزوم توجه به مهارت‌های فناوری، علم رایانه و یادگیری زبان خارجی به‌عنوان ابزار در کارآفرینی 	<ul style="list-style-type: none"> مهارت فناوری علم رایانه یادگیری زبان خارجه ابزار کارآفرینی 	<ul style="list-style-type: none"> برای کارآفرینی مهارت فناوری و علم رایانه یادگیری زبان خارجه و... نیاز است ولی عملاً ارتباط اصلی برای کارآفرینی ندارد و تنها ابزاری در کارآفرینی است.

در پژوهش حاضر، از دوروش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان و مرور توسط خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش، استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی، ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد. همچنین، داده‌ها چندین بار مورد کدگذاری و مقوله‌بندی قرار گرفت و کنترل‌های مستمر بر آن‌ها و توجه دقیق صورت گرفت. سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از «الگوی کیفیت‌بخشی تبدیل مدرسه فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین چگونه است». برای پاسخ به این سؤال، ابتدا لازم بود که به سؤال فرعی با عنوان «مؤلفه‌های اصلی در کیفیت‌بخشی مدارس فنی کارآفرین کدامند» پاسخ داده شود. برای پاسخ به سؤالات فوق، داده‌هایی که در بخش کیفی با مصاحبه عمیق و ژرف‌نگر گردآوری شد، بر اساس روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در راستای اهداف پژوهش، چندین سؤال از مشارکت‌کنندگان پیرامون ویژگی‌های مدارس کارآفرین پرسیده شد؛ برای مثال «به نظر شما یک مدرسه کارآفرین چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا ایجاد مدارس کارآفرین را ضروری می‌دانید؟ مهم‌ترین عامل (عوامل) در تبدیل مدارس فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین چیست؟ چه عوامل و شرایطی می‌تواند موجب کیفیت‌بخشی مدارس فنی به مدرسه کارآفرین شود؟ چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان مدارس را به سوی کارآفرینی سوق داد؟ پیامدهای ایجاد مدارس کارآفرین را چه می‌دانید؟ چه روش‌هایی برای کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین پیشنهاد می‌کنید؟». نمونه‌هایی از پاسخ مشارکت‌کنندگان به سؤالات فوق در این بخش ارائه می‌شود. حاصل تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، ۵۹۸ کد اولیه یا باز بود. بعد از ادغام این کدها بر اساس همپوشانی، ۳۱۳ کد باقی ماند. با مقایسه مداوم کدها و داده‌های خام، بر اساس تشابه و تفاوت، کدهای مشابه در یک طبقه، کنار هم قرار گرفتند و دسته‌بندی اولیه‌ای از کدها به دست آمد. مصادیق و مفاهیم به دست آمده، در ۷۳ طبقه اولیه و پس از ادغام، در ۱۰۱ زیرطبقه و ۱۰ طبقه اصلی دسته‌بندی شدند. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج طبقات و نشان‌دهنده مؤلفه‌های کیفیت‌بخشی تبدیل مدارس فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین است. این طبقات در ۱۰ طبقه اصلی از داده‌ها استخراج شد که عبارت‌اند از:

جدول ۴. طبقات، زیر طبقات

زیر طبقات	طبقات
<ul style="list-style-type: none"> ◆ از طریق فضای مجازی ◆ از طریق مراجعه حضوری ◆ پرورش نیروی ماهر ◆ توسعه نیروی انسانی ◆ مهارت معلم در تدریس و به چالش کشیدن دانش‌آموزان ◆ به‌روز کردن علم و اطلاعات 	آموزش هنرآموزان

جدول ۴. (ادامه)

طبقات	زیر طبقات
توانمندی در کار آفرینی	<ul style="list-style-type: none"> ◆ تشویق دانش آموز به خلق ایده ◆ تصویرسازی دیوارهای مدرسه ◆ تمرین کسب‌وکار از کودکی ◆ دیدن فیلم‌های آموزشی ◆ آشنایی دانش آموزان با افراد کارآفرین جامعه ◆ آشنایی دانش آموزان با مراکز پارک‌های فناوری ◆ آشنایی با شرکتهای دانش‌بنیان ◆ آشنایی با مدل‌های کسب‌وکار ◆ آشنایی با بیزنس پلن ◆ دیدن فیلم‌های آموزشی
	<ul style="list-style-type: none"> ◆ آشنایی دانش آموز با ثبت شرکتها ◆ آشنایی دانش آموزان با مراحل ثبت و اجرای ایده ◆ برگزاری جشنوارهها ◆ برگزاری رویداد ایده بازار ◆ به چالش کشیدن ذهن دانش آموزان ◆ برگزاری رویدادهای استارت‌آپی ◆ آشنایی دانش آموزان با مراحل راه‌اندازی کسب‌وکارها ◆ آشنایی با محیط کسب‌وکار جامعه
چشم‌انداز کار آفرینی	<ul style="list-style-type: none"> ◆ برنامه‌ریزی هدفمند ◆ برنامه کار آفرینی مدرسه محور در دوره ابتدایی با همکاری مدیران به‌صورت فوق برنامه ◆ سنجش خلاقانه محور ◆ یادگیری کار آفرینی دانش آموزان مقطع متوسطه نظری از طریق فضای مجازی ◆ درگیر کردن دانش آموزان در بحث علمی کسب‌وکار ◆ پرورش نیرو بر اساس نیازسنجی ◆ بحث تولید محور بودن مدارس ◆ برنامه‌ریزی در به کارگیری افراد باتجربه در تدریس ◆ سوق دادن دانش آموزان به سمت علم کسب‌وکار توسط مدارس
	<ul style="list-style-type: none"> ◆ ضعف در ثبت ایده‌ها ◆ ضعف مربیان در علم کسب‌وکار و کارآفرینی ◆ ضعف مهارتی مربیان در ارائه خدمات به بازار ◆ عدم اجرای کامل کتاب‌های درسی ◆ عدم اشتیاق دانش آموزان به درس کارآفرینی ◆ عدم آشنایی دست‌اندرکاران با استراتژی‌های کارآفرینی ◆ عدم بسترسازی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مؤثر ◆ عدم تخصیص اعتبار در بحث کارآفرینی ◆ عدم دسترسی دانش آموزان به اینترنت در مدارس ◆ عدم حمایت دست‌اندرکاران صف و ستاد ◆ عدم نظم‌پذیری دانش آموزان خلاق ◆ عدم رشد خلاقیت در موضوعات کتاب‌ها ◆ عدم همکاری اولیا ◆ عدم همکاری دانشگاه‌ها

جدول ۴. (ادامه)

زیر طبقات	طبقات
	<p>فرصت‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> ♦ اتکا به مهارت فردی ♦ ارائه محصولات ♦ اختراع در سطح استان و کشور ♦ اشتغال‌زایی ♦ افزایش قدرت تصمیم‌گیری ♦ بینش کارآفرینانه ♦ پرورش نیروی ماهر ♦ تغییر در دیدگاه ♦ تشویق دانش‌آموزان به خلق ایده ♦ تفکر خلاقانه و نقادانه معلم ♦ تفکر کلی و دید وسیع
	<p>فرهنگ‌سازی</p> <ul style="list-style-type: none"> ♦ آشنایی با شرکت‌های داده‌بنیان ♦ آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکت‌ها ♦ آشنایی دانش‌آموزان با مدل‌های کسب‌وکار ♦ آشنایی دانش‌آموزان با افراد کارآفرین جامعه ♦ پذیرش سود کمتر جهت حفظ مشتری ♦ تأثیر زیرساخت‌های فرهنگی ♦ تغییر نگاه دانش‌آموزان در مدارس کارآفرین ♦ تعهد نیروها ♦ خارج شدن مدارس از شیوه سنتی
	<p>فعالیت‌های مدارس کارآفرین</p> <ul style="list-style-type: none"> ♦ ایجاد شغل جدید ♦ آزادی عمل بیشتر دانش‌آموزان در مدرسه ♦ آشنایی با بوم کسب‌وکار در کتاب کارآفرینی هنرستان ♦ اختراع در استان و کشور ♦ اهمیت به نگاه کسب‌وکار محور ♦ ارائه محصولات ♦ آموزش همراه با تولید ♦ بازشدن پنجره جدید ذهنی دانش‌آموزان با شرکت در استارت‌آپ‌ها ♦ برگزاری کارگاه‌های استارت‌آپ ویکند ♦ همکاری آنلاین مدرسین کارآفرینی با دانش‌آموزان ♦ هر هنرستان یک کارخانه
	<p>همکاری با سایر نهادها</p> <ul style="list-style-type: none"> ♦ همکاری با پارک علم و فناوری ♦ همکاری با منتورها ♦ همکاری با دانشگاه‌ها ♦ همکاری با خانواده‌ها ♦ همکاری مدیران مدارس

جدول ۴. (ادامه)

طبقات	زیر طبقات
یادگیری	<ul style="list-style-type: none"> ♦ آموزش‌ها در قالب کارآفرینی ♦ آموزش اجرای ایده ♦ آموزش از طریق فایل‌های آموزشی ♦ آموزش ایجاد شغل ♦ آموزش بوم کسب‌وکار ♦ آموزش حل مسئله ♦ آموزش خانواده‌ها ♦ آموزش درون درون مدرسه‌ای به همراه کارآموزی خارج از مدرسه ♦ آموزش کارگاهی به دبیران ♦ مفهوم‌سازی از طریق ذهنیت افراد ♦ یادگیری تغییر روش در صورت نرسیدن به اهداف

● **نتایج آنالیز داده‌ها برای مفاهیم:** تحلیل داده‌ها برای تعیین مفاهیم، در واقع همان کدگذاری باز است که مفاهیم اولیه و طبقات شکل می‌گیرند. کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) عنوان می‌دارند میکروآنالیز، شکل متفاوتی از کدگذاری نیست، بلکه این روش نوعی کدگذاری باز با جزئیات بیشتر است. بر همین اساس، پژوهشگر با مطالعات مکرر، دقیق و موشکافانه متن مصاحبه، مفاهیم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. به این شکل که همه یافته‌ها و معانی احتمالی موجود در داده‌ها را در نظر می‌گیرد و به داده‌ها برچسب مفهومی اطلاق می‌کند. برای ساخت مفاهیم مورد اشاره، داده‌ها به بخش‌های قابل مدیریت تفکیک شدند. نام‌گذاری مفاهیم یا محقق ساخته و یا برگرفته از واژه‌های مصاحبه‌شونده بود. لازم به ذکر است، این برچسب‌ها ثابت نبوده و قابل تغییر بودند. نمونه‌ای از کدگذاری باز در جدول ۳ آورده شد. محقق با پیشرفت کار و استخراج کدهای اولیه، آن‌هایی را که بر یک معنا و مفهوم دلالت داشتند، کنار هم قرار داده و یک طبقه مفهومی با سطح انتزاعی بالاتر و مفهوم کلی‌تر تشکیل داد. با انجام تحلیل ماکروسکوپی و یا تحلیل کلی‌تر، مفاهیم بر اساس ویژگی‌های مشترک طبقه‌بندی شدند. برای نمونه، یک مورد تحلیل برای تعیین مفهوم، در ذیل آورده شده است.

● **استفاده از دنیای واقعی کار در مدارس فنی**

◀ **مصاحبه‌کننده:** «گفتید چه راهکارهایی برای کیفیت‌بخشی مدارس کارآفرین پیشنهاد می‌کنید؟ در زمینه کتب درسی دانش‌آموزان، مدیر، معلم؟»

◀ **مصاحبه‌شونده P6:** «لان مخصوصاً تو هنرستان‌ها بهترین راهکاری که میشه ارائه داد همون اهمیت دادن به دروس مهارتی‌شونه و اینکه بتوانند این شایستگی‌ها رو، شایستگی‌های فنی و

شایستگی غیرفنی‌شان را به دنیای کار ارتباط بدهند که خوشبختانه الان کتاب‌های کار درسی شون هم تغییرات زیادی کرده و تقریباً مطابق با بازار کار و مشاغل هست. فکر می‌کنم که حالا هر چی بیشتر دنیای واقعی کار رو بیاریم تو مدارس نشان بدهیم جالبه. یک کاری که انجام می‌شه تلفیق دروس شایستگی فنی و شایستگی غیرفنی است. مثلاً دروس شایستگی فنی همون دروس تخصصی‌شونه. شایستگی غیرفنی همون کارآفرینی‌ها هست. آشنایی با محیط کاره. اخلاق حرفه‌ایه که خیلی تأثیر گذاره. یکی از کارهایی که داره انجام می‌شه آینه که بچه‌ها و هنرآموزان محیط بیرون کار رو، مثلاً شرکت رو، بیان تو مدرسه شبیه‌سازی کنن. فکر می‌کنم که خیلی تأثیر گذارند».

● المپیاد رویکرد کارآفرینی در هنرستان‌ها

◀ **مصاحبه‌شونده P۲:** «فکر کنم جهت‌گیری ما، جهت‌گیری درستی هم است. یعنی بخش اول می‌گویند جوهره اول کارآفرینی خلاقیت و نوآوری است و ما در هنرستان‌ها بیشتر دنبال این هستیم که ایده‌پردازی را به بچه‌ها آموزش دهیم و فقط از حالت صرف و روتین انجام داده یک کار بیرون بیاییم. بر همین اساس الان تقریباً سه سالی است که المپیاد رویداد کارآفرینی را در هنرستان‌ها پی‌گیریم، بچه‌ها ایده می‌دهند. کافه کارآفرینی را در ادامه‌ش پی‌گیریم و الان در ۲۰ بهمن تا ۲۰ اسفند با شعار هر هنرستان یک کافه کارآفرینی دارد پیش می‌ریم و بخشنامه‌اش را هم زدیم که مدارس ما این کار را پیگیری بکنند».

● آشنایی دانش‌آموزان با مراکز پارک‌های فناوری.

◀ **مصاحبه‌کننده:** «چه راهکارهای احتمالی برای موفقیت مدارس کارآفرینی پیشنهاد می‌کنید؟ به جز آشنایی با کسب‌وکارهایی که بیرون هست، آیا راهی هست؟»

◀ **مصاحبه‌شونده P۵:** «جواب به نظر من، باید با یک سری مراکز شتاب‌دهنده، مثل مراکز پارک‌های فناوری آشنا شوند. پارک‌های فناوری یه سری حتی ما شرکت‌های دانش‌بنیان داریم اینا شرکت‌هایی هستن که میان از این کسب‌وکارها حمایت می‌کنن و اونا رو پشتیبانی می‌می‌کنن. شاید این هم بتونه یه راهکار خوب باشه».

● آموزش دانش‌آموزان

◀ **مصاحبه‌کننده:** «به نظر شما چرا مدارس باید کارآفرین باشند؟»

◀ **مصاحبه‌شونده P۱۱:** «دنیای امروز دنیایی است که باید هرکسی بتواند مشکلات خودش را حل کند. شغل‌هایی هم که به وجود می‌آیند خیلی سریع در حال تغییرند. اینجا دیگه نمی‌توانیم و مثل قدیم نیست که من یک تکنیک خاص رو به دانش‌آموز یاد بدهم. دانش‌آموز باید بتواند در این

دنیای در حال تغییر خودش روبه‌روز کند. به‌خاطر همین باید خلاقیت رو یاد بگیرد و برای دنیایی که می‌خواهد بعداً در آن کار کند آماده باشد. دنیایی که در آن کار می‌کند شغل‌ها سریع عوض می‌شود». سؤال اصلی پژوهش این بود که «الگوی کیفیت‌بخشی تبدیل مدارس فنی و حرفه‌ای به مدارس کارآفرین دارای چه ویژگی‌هایی است؟» با توجه به داده‌های حاصل از کدگذاری، به تدوین الگوی جامع که شامل عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهاست، می‌پردازیم (شکل ۱).

۱. شرایط علی: به شرایطی گفته می‌شود که در آن به بررسی مقوله‌هایی که بر مقوله اصلی موردپژوهش اثرگذارند پرداخته می‌شود. در ادامه، با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده، بر اساس نظر خبرگان مشارکت‌کننده، ۶ مقوله علی که بر کارآفرین شدن مدارس فنی و حرفه‌ای اثرگذارند، نشان داده شده است.

جدول ۵. کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شرایط علی		
ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کدگذاری باز)
شرایط علی	منابع انسانی	۱. تربیت مربیان ماهر و منتورها ۲. تربیت دانش‌آموز کارآفرین ۳. تربیت کارکنان توانمند در کارآفرینی
	منابع مالی	۱. برنامه‌ریزی مالی برای مدارس کارآفرین ۲. بالا بردن امنیت برای سرمایه‌گذاری و ریسک توسط مسئولین ۳. استفاده از منابع مالی با کمک گرفتن از سایر سازمان‌ها و خیرین
	آموزش	۱. آموزش توسط افراد ماهر در زمینه ایده‌پردازی ۲. آموزش به همراه کارآموزی ۳. آموزش در جهت آشنایی با مدل‌های کسب‌وکار و تبلیغات برای فروش محصول
	ارتباطات	۱. ارتباط با مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها ۲. ارتباط با متخصصین و استادان ۳. ارتباط با صنعت ۴. ارتباط با کارآفرینان در جامعه
	شبکه‌سازی	۱. ایجاد شبکه اینترنتی برای تبادل نظر کارآفرینان ۲. همکاری و تبادل نظر مدارس کارآفرین با دانشگاه‌ها
	پشتیبانی فرهنگی	۱. فراهم کردن زمینه تغییرات فرهنگی همسو با کارآفرینی در فکر و تفکر افراد از طریق رسانه‌ها ۲. همکاری سایر نهادها با آموزش و پرورش در کارآفرینی ۳. بسترسازی فروش محصولات از طریق فضای مجازی و بازار

۲. شرایط زمینه‌ای: مجموعه شرایطی هستند که زمینه پدیدۀ موردنظر را فراهم می‌سازند (عباس زاده، ۱۳۹۱). در این پژوهش چهار مقوله فرهنگ‌سازی، مهارت‌های مدیریتی، برنامه‌ریزی عملیاتی، استفاده از فناوری شناسایی شده‌اند.

جدول ۶. کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شرایط زمینه‌ای

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کدهای باز)
شرایط زمینه‌ای	فرهنگ‌سازی	۱. آشنایی با شرکت‌های داده‌بنیان ۲. آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکت‌ها ۳. آشنایی دانش‌آموزان با مدل‌های کسب‌وکار ۴. آشنایی دانش‌آموزان با افراد کارآفرین جامعه ۵. تأثیر زیرساخت‌های فرهنگی ۶. تغییر نگاه دانش‌آموزان در مدارس کارآفرین
	مهارت‌های مدیریتی	۱. خدمت نوآورانه ۲. همکاری با دانشگاه‌ها ۳. همکاری با پارک علم و فناوری
	برنامه‌ریزی عملیاتی	۱. آموزش‌ها در قالب کارآفرینی ۲. آموزش اجرای ایده ۳. آموزش از طریق فایل‌های آموزشی ۴. آموزش ایجاد شغل ۵. آموزش بوم کسب‌وکار ۶. آموزش حل مسئله ۷. آموزش خانواده‌ها ۸. آموزش درون مدرسه‌ای به همراه کارآموزی خارج از مدرسه ۹. آموزش کارگاهی به دبیران
استفاده از فناوری	۱. مهارت فناوری و علم رایانه و زبان انگلیسی ۲. آشنایی دانش‌آموزان با ثبت شرکت‌ها ۳. آشنایی دانش‌آموزان با مراحل ثبت و اجرای ایده ۴. استفاده از فضای مجازی ۵. استفاده از اینترنت	

۳. شرایط مداخله‌گر: در این پژوهش سه مقوله موانع ادراکی، موانع عملیاتی، تعارضات به‌عنوان عوامل مداخله‌گر در کارآفرین شدن مدارس فنی و حرفه‌ای در نظر گرفته شدند.

جدول ۷. کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شرایط مداخله‌گر

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کدهای باز)
شرایط مداخله‌گر	موانع ادراکی	۱. ضعف مربیان در علم کسب‌وکار و کارآفرینی ۲. ضعف مهارتی مربیان در ارائه خدمات به بازار ۳. عدم اشتیاق دانش‌آموزان به درس کارآفرینی ۴. عدم آشنایی دست‌اندرکاران با استراتژی‌های کارآفرینی
	موانع عملیاتی	۱. ضعف در ثبت ایده‌ها ۲. عدم بسترسازی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مؤثر ۳. عدم تخصیص اعتبار در بحث کارآفرینی ۴. عدم دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت در مدارس ۵. عدم اجرای کامل کتاب‌های درسی
	تعارضات	۱. عدم حمایت دست‌اندرکاران صف و ستاد ۲. عدم نظم‌پذیری دانش‌آموزان خلاق ۳. عدم رشد خلاقیت در موضوعات کتاب‌ها ۴. عدم همکاری اولیا ۵. عدم همکاری دانشگاه‌ها

۴. راهبردها: در این پژوهش با توجه به یافته‌ها و داده‌های به‌دست‌آمده، سه مقوله راهبردی شناسایی شده است.

جدول ۸. کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با راهبردها

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کدهای باز)
راهبردها	جذب فناوری	۱. آماده‌سازی بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ۲. شبیه‌سازی شرکت‌ها در داخل مدرسه ۳. ایجاد سامانه ثبت ایده برای حفظ ایده افراد
	برنامه‌درسی انعطاف‌پذیر	۱. بازبینی کتاب‌های درسی ۲. استفاده از روش‌های فعالیت‌محور و اردویی ۳. اصلاح روش‌های تدریس بر پایه خلاقیت
	تربیت افراد کارآفرین	۱. کسب مهارت در مدارس کارآفرین ۲. آموزش توسط منتورها و مربیان تعلیم‌دیده ۳. استفاده از کلاس‌های کارگاهی و استارت‌آپی

۵. پیامدها: نتایج هستند که از راهبردها و کنش‌های مربوط به مقوله محوری حاصل می‌شوند. سه مقوله درک فرصت، پذیرش ریسک، تربیت نیروی متخصص در این پژوهش شناسایی شدند.

جدول ۹. کدگذاری محوری در مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با پیامدها

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کدهای باز)
تربیت نیروی متخصص	درک فرصت	۱. آموزش دانش‌آموزان با روش‌های ایده‌پردازی ۲. برگزاری جشنواره‌ها جهت کشف ایده ۳. آماده‌سازی دانش‌آموزان با یادگیری شایستگی‌های لازم برای ورود به بازار کار
	پذیرش ریسک	۱. آموزش مهارت‌های ریسک‌پذیری و تغییر وضعیت در مواقع لزوم ۲. درگیر کردن دانش‌آموزان در کارهای عملی و فروش محصول
	تربیت نیروی متخصص	۱. تربیت منتورها توسط دانشگاه کارآفرین و مراکز رشد ۲. توجه به آموزش کارکنان مدارس کارآفرین ۳. آموزش‌های تخصصی به هنرآموزان

● کدگذاری انتخابی (گزینه‌ش‌ی): در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، یک نظریه از داده‌های فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری را به نگارش درمی‌آورد (استرلینگ^{۱۵}، ۲۰۰۹). الگوی به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها به شیوه نظریه داده‌بنیاد به شکل زیر است:



شکل ۱. الگوی کیفیت‌بخشی مدارس فنی کارآفرین

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

مقایسه نظریه ظهور یافته با ادبیات تحقیق و بررسی میزان تفاوت‌ها و شباهت‌های آن، آخرین گام از تئوری بنیادی است، زیرا مقایسه نظریه با پیشینه موجود، موجب افزایش روایی درونی، تعمیم‌پذیری و بهبود سطح تئوری‌پردازی می‌شود. در تشریح الگوی کیفی به‌دست‌آمده، می‌توان گفت که الگوی کیفیت‌بخشی مدارس فنی و حرفه‌ای برای تبدیل به مدارس کارآفرین با ادبیات تحقیق مطابقت دارد. این مطابقت مقوله به مقوله بررسی شده، در اکثر مقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده، شباهت‌هایی با پیشینه تحقیق مشاهده می‌شود. البته در تحقیقات قبلی به برخی از متغیرها کمتر پرداخته شده یا اصلاً پرداخته نشده است، در حالی که در این تحقیق به‌عنوان متغیر اصلی در الگوی نهایی شناسایی شده است. در توضیح عوامل علی در الگوی فوق، ۶ مقوله بر اساس ابعاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در مدارس کارآفرین، به‌عنوان عوامل اثرگذار در بروز پدیده محوری، شناسایی شدند: ۱- منابع انسانی (با نتیجه تحقیقات نصیری و سرچهانی، ۱۳۹۷؛ رحیمی، ۱۳۹۷)، ۲- منابع مالی (با نتایج نصرافهانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ نصیری و سرچهانی، ۱۳۹۷؛ پورآثشی، ۱۳۹۹)، ۳- آموزش (با نتایج راشیدی^{۱۴}، ۲۰۰۰؛ صمدی و شیرزادی اصفهانی، ۱۳۸۶؛ پورآثشی، ۱۳۹۹؛ خورسندی، ۱۳۹۶؛ والیدیانی و وینارنو، ۲۰۱۷)، ۴- ارتباطات، ۵- شبکه‌سازی، ۶- پشتیبانی فرهنگی (با نتایج نصیری و سرچهانی، ۱۳۹۷؛ فهام و پرهیزکار، ۱۳۹۷) همخوانی دارند. در مورد دو مقوله ارتباطات و شبکه‌سازی پیشینه مشاهده نشد.

● **شرایط زمینه‌ای:** به شرایط خاصی که بر کنش‌ها و تعاملات تأثیر می‌گذارد بستر گفته می‌شود. بر اساس نتایج این پژوهش، ۴ مقوله شناسایی شد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین نیز مطابقت داده شدند که در ادامه به‌اختصار آمده است. ۱- فرهنگ‌سازی (با یافته‌های باشکوه اجیرلو و همکاران، ۱۳۹۴؛ فهام و پرهیزکار، ۱۳۹۷؛ رحیمی، ۱۳۹۷)، ۲- مهارت‌های مدیریتی (با یافته‌های باشکوه اجیرلو و همکاران، ۱۳۹۴)، ۳- برنامه‌ریزی عملیاتی (با یافته‌های مارلیه و همکاران، ۲۰۱۸)، ۴- استفاده از فناوری (با یافته‌های ابراهیم‌زاده و رشیدی، ۱۳۹۴؛ نصیری و سرچهانی، ۱۳۹۷؛ ستاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ ایزونمی و اکافور^{۱۷}، ۲۰۱۰) مطابقت دارد.

● **شرایط مداخله‌گر:** در این مطالعه، آن دسته از عواملی که به‌طور غیرمستقیم بر کارآفرین شدن مدارس فنی تأثیر می‌گذارند، شناسایی و طبقه‌بندی شده است. بر این اساس، سه مقوله موانع ادراکی، موانع عملیاتی و تعارضات شناسایی شد.

● **راهبردها:** بر اساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین رهیافت‌های کارآفرین شدن مدارس فنی و حرفه‌ای، جذب فناوری، برنامه درسی انعطاف‌پذیر و تربیت افراد کارآفرین است. با این حال چگونگی تحقق الگوی کیفیت‌بخشی مدارس فنی و حرفه‌ای کارآفرین تحت تأثیر

مجموعه عوامل مداخله‌گر و بسترهای حاکم (زمینه‌ای) قرار دارد.

● **پیامدها:** بر اساس یافته‌های پژوهش، اجرایی شدن الگوی کیفیت‌بخشی مدارس فنی کارآفرین منجر به بروز سه پیامد اصلی ۱- درک فرصت، ۲- ریسک‌پذیری و ۳- تربیت نیروی متخصص در مدارس فنی و حرفه‌ای می‌گردد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، در راستای کیفیت‌بخشی مدارس فنی کارآفرین که حاصل مطالعات گسترده تحقیقات پیشین و انجام مصاحبه‌های عمیق با استادان دانشگاه و خبرگان کارآفرینی بود، با هماهنگی و توجه همه‌جانبه ابعاد مختلف اعم از شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر میسر خواهد بود.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش، قابلیت درک فرصت توسط افراد یک جامعه، عامل سازنده برای کسب و کارهای نوپا و بروز رفتارهای کارآفرینانه است. از آنجاکه بازار داخلی کشور بازاری بزرگ محسوب شده، میزان شهرنشینی و تنوع تقاضا نیز در ایران تقریباً بالاست، فرصت زیادی برای کارآفرینی در کشور وجود دارد، اما افراد جامعه در درک فرصت‌ها ضعیف بوده و به‌اندازه کافی قادر به تشخیص و استفاده از آن‌ها نیستند. برای بهبود این ضعف، لازم است از اصلاح توسعه سیاست‌های آموزشی بهره گرفت. ترس از شکست یکی از مهم‌ترین موانع برای شروع یک کسب و کار است. پرهیز از راه‌اندازی بنگاه‌های پرریسک می‌تواند تولد کارآفرینی را به تأخیر اندازد. پذیرش ریسک و عدم ترس از شکست در بین افرادی که فرصت‌ها را تشخیص می‌دهند و از قابلیت‌های لازم هم برخوردارند، تا حد زیادی به میزان ریسک کسب و کار و کیفیت محیط کلی کسب و کار بستگی دارد. محیط مساعد و ریسک پایین کسب و کار از جمله الزامات توسعه کارآفرینی در کشورها محسوب می‌شود. توجه سیاست‌گذاران به آن‌ها می‌تواند ریسک کسب و کار در کشور را کاهش دهد. لذا، توجه بیشتر سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای به این مقولات توصیه می‌گردد:

- ◆ آموزش‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با حرف مختلف؛
- ◆ برقراری انطباق نظام آموزشی با نیاز بازار؛
- ◆ توانمندسازی استارت‌آپ‌ها و بهبود شایستگی‌های مدیریتی؛
- ◆ ایجاد زنجیره آموزش، مشاوره و کسب و کار.

نقشه‌های مفهومی با استفاده از بیان استانداردها و طرح‌های انتخاب مفاهیم مورد توجه قرار می‌گیرد (میکر و زیمرمان^۸، ۲۰۲۰). بنابراین، تمام موارد فوق می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های کلان در زمینه استفاده از نقشه‌های مفهومی به‌عنوان ابزارهای ارزشیابی نوین را توجیه کند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، حبیبی و رشیدی، داود. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین فناوری اطلاعات با کارآفرینی اجتماعی. مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع، ترکیه، استانبول.
- ابراهیمی، پرینسا. (۱۳۹۵). تحلیل برنامه درسی کار و فناوری دوره اول متوسطه بر اساس مهارت‌های کسب‌وکار سازمان جهانی کار (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، تهران.
- آراستی، زهرا، کنعانی، احمد و سید قاسمی، نویسا سادات. (۱۳۹۲). انگیزه‌های کارآفرینی زنان و مردان در بخش صنعت شباهت‌ها و تفاوت‌ها. مجله زن در توسعه سیاست، ۱۱(۱)، ۸۳-۱۰۰.
- بازارگان هرندی، عباس. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روش‌های کیفی و آمیخته (چاپ پنجم). تهران: انتشارات دیدار.
- باشکوه اجیرلو، محمد، مرادی، مسعود و حیدری اناری، علی. (۱۳۹۴). بررسی عوامل سازمانی اثرگذار بر ایده کارآفرینی در بین معلمان متوسطه شهرستان اردبیل. مجله روان‌شناسی مدرسه، ۴(۱)، ۳۸-۵۱.
- پسندیده فرد، کبری و کیانی مآوی، رضا. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی معیارهای موفقیت آموزش کارآفرینی و توسعه اقتصادی بر اساس مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره. مطالعات نوین کاربردی در مدیریت و اقتصاد، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۸.
- پورآتشکی، مهتاب. (۱۳۹۹). بررسی اقدامات حمایتی از کارآفرینی در دانشگاه‌های منتخب جهان و تحلیل گزینه‌های حمایتی در دانشگاه‌های ایران. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۰(۳)، ۸۲-۱۰۱.
- پوررضا، محمدسعید. (۱۳۹۶). توسعه مفاهیم کارآفرین و کارآفرینی (چاپ دوم). تهران: انتشارات فرائد.
- جلالی، خسرو و امینی، سامان. (۱۳۹۶). نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی. مقاله ارائه‌شده در دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پرورش مازندران، محمودآباد.
- خانمی، علی و شاه‌حسینی، حامد. (۱۳۹۱). بررسی وضعیت شاخص‌های کارآفرینی دانش‌آموزان متوسطه و فنی‌حرفه‌ای و کار و دانش. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴(۱)، ۹۵-۱۱۶.
- خورسندی، محمدرضا. (۱۳۹۶). نقش الگوی آموزش کارآفرینی کسب‌وکار بر ایجاد مهارت‌های کارآفرینی کارآموزان مراکز آموزش فنی‌حرفه‌ای استان سیستان و بلوچستان (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد). دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- رحیمی، محسن. (۱۳۹۷). طراحی الگوی تضمین کیفیت دانشگاه کارآفرین (پایان‌نامه منتشرنشده دکتری). دانشگاه سمنان.
- سناری، صدرالدین، بهرام‌نیا، سردار و بهرام‌نیا، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر مدارس کارآفرین بر توسعه و اشتغال‌زایی. مقاله ارائه‌شده در نخستین کنفرانس ملی مدارس کارآفرین، اصفهان.
- صمدی، پروین و شیرزادی اصفهانی، هما. (۱۳۸۶). بررسی رابطه جز سازمانی با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵(۱۶)، ۱۶۴-۱۸۷.
- عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۱)، ۱۹-۳۴.
- فریور، مریم، جلالی، ابوطالب، روشن، فریده و اخوان طیبسی، آرش. (۱۳۹۶). بررسی مدل‌های ارزیابی کیفیت در نظام آموزشی فنی‌حرفه‌ای کشور. مقاله ارائه‌شده در همایش ملی آسیب‌شناسی نظام آموزشی کشور، مؤسسه علمی پژوهشی دانش‌پژوهان پویای پردیس ایرانیان، تبریز.
- فهام، الهام و پرهیزکار، مرتضی. (۱۳۹۷). جایگاه توسعه کارآفرینی در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی کشور. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۲۲)، ۴۱-۶۰.
- قربانی، زهرا. (۱۳۹۵). طراحی مدل مدرسه کارآفرین یا رویکرد مدل کسب‌وکار (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد). دانشگاه شاهد.
- مهرایی، امید. (۱۳۹۷). کارآفرینی در مدارس. مجله رشد معلم، ۳۶(۸)، ۳۰-۲۸.
- نصرافهانی، حمید، شاهین، آرش، حکمت‌پناه، مسعود و نصری، مسعود. (۱۳۹۷). فلسفه مدارس کارآفرین و مدیریت در مدارس کارآفرین و نقش و تأثیر کتب کارآفرینی در مدارس و دبیرستان‌های کارآفرین ایران. مقاله ارائه‌شده در نخستین کنفرانس ملی مدارس کارآفرین، اصفهان.
- نصیری ولیکنبی، فخرالسادات و سرچجانی، زهرا. (۱۳۹۷). طراحی مدل مناسب ایجاد مدرسه کارآفرین در مدارس دوره دوم متوسطه (طرح پژوهشی). آموزش و پرورش مازندران.
- نیک‌رفتار، طیبه. (۱۳۹۳). تأثیر شایستگی‌های فردی و اجتماعی بر شخصیت کارآفرینانه. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۴(۱۴)، ۱۲۵-۱۴۳.
- یعقوبی نجف‌آبادی، اشرف. (۱۳۸۹). ضرورت آموزش کارآفرینی در همه مقاطع تحصیلی. مجله رشد مشاور مدرسه، ۵(۴)، ۲۶-۲۲.

- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
- Audretsch, D. B., Lehmann, E. E., & Menter, M. (2016). Public cluster policy and new venture creation. *Economia e Politica Industriale*, 43(4), 357-381.
- Nurmaliza, N., Caska, C., & Indrawati, H. (2018). Analysis of factors affecting entrepreneurial interest of vocational high school students in Pekanbaru. *Journal of Educational Sciences*, 2(2), 42-51.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2008). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Los Angeles: Sage Publications.
- Creswell, J. (2009). *Research Design: Qualitative, quantitative and mixed methods approaches*. Los Angeles: Sage Publications.
- Cunningham, J. A., Menter, M. & Wirsching, K. (2019). Entrepreneurial ecosystem governance: A principal investigator-centered governance framework. *Small business Economics*, 52(2), 545-562.
- Fillon, L. J. (1994). Ten steps to Entrepreneurial Teaching. *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 11(3), 68-78.
- Hisrich, R. Peters, M. & Shepherd, D. (2016). *Entrepreneurship* (10th Ed). New York: McGraw-Hill Education.
- Izedonmi, P. F. & Okafor, C. (2010). The effect of Entrepreneurship Education on students' Entrepreneurial Intentions. *Global Journal of management and Business Research*, 10(1), 49-60.
- Marliyah, L. Sugiyo, Masrukhi, & Rusdarti. (2018). Model of entrepreneurship education in vocational school on agribusiness study programme. *Journal of Entrepreneurship Education*, 21(4), 1-9.
- Paço, A. D., & Palinhas, M. J. (2011). Teaching entrepreneurship to children: a case study. *Journal of Vocational Education & Training*, 63(4), 593-608.
- Rasheed, H. (2000). Developing Entrepreneurial Potential in youth: the effect of Entrepreneurial Education and venture creation. *Journal educational change*, 2(1), 20-170.
- Sterling, J. (2009). Translating strategy into effective implementation: dispelling the myths and highlighting what works. *Strategy & Leadership*, 31(3), 27-34.
- Walidaini, A. B., & Wirnarno, A. (2017). Vocational High School Students Entrepreneurship: The Success of Family or School Education?. *JPBM (Jurnal Pendidikan Bisnis dan Manajemen)*, 3(1), 1-11.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--|---|
| <ol style="list-style-type: none"> 1. Entrepreneurship 2. Indrawati & Caska 3. Audretsch, Lehmann, & Menter 4. Cunningham, Menter & Wirsching 5. Hisrich & Ramadani 6. Paco & Palinhas, 7. Filion 8. Marliyah, Sugiyo, Masrukhi & Rusdarti 9. Walidaini & Winarno | <ol style="list-style-type: none"> 10. Corbin & Strauss 11. memoing 12. Creswell 13. Stirling Attride 14. Atlas7.5.4 15. Sterling 16. Rasheed 17. Izedonmi & Okafor |
|--|---|